


منشأ بحران‌های ارزی ایران براساس نسل‌های بحران ارزی و ارائه توصیه سیاستی با رهیافت اقتصاد مقاومتی

حسین صمصامی / استادیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
h-samsami@sbu.ac.ir
محمدسعید پناهی / استادیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
sa.panahi@gmail.com
سیدطالب علوی / دانش‌پژوه دکتری گروه اقتصاد، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران
talebalaavi00@gmail.com  orcid.org/0009-0003-8970-5372

دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۲ - پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۹

چکیده

بروز بحران‌های ارزی متعدد در ایران، شناخت زمینه‌های بحران و عوامل بروز آن و همچنین ارائه راهکارهای مبارزه با آن را ضروری می‌کند. در این مقاله به بررسی ریشه‌های شکل‌گیری بحران‌های ارزی در ایران و راه‌های مواجهه با آن براساس رهیافت اقتصاد مقاومتی می‌پردازیم. تحلیل مقاله مبتنی بر سه نسل بحران ارزی متعارف است. برای استخراج متغیر بحران ارزی از روش هموارسازی نرخ ارز به وسیله فیلتر هودریک-پرسکات و محک تجربی داده‌های نرخ ارز در ایران به روش الگوی باینری پروبیت استفاده می‌کنیم. براساس یافته‌های تحقیق، منشأ بروز بحران‌های ارزی در ایران با نسل‌های اول، دوم و سوم بحران‌های ارزی متعارف سازگاری دارد؛ علاوه بر این، عامل تحریم نیز در بروز این بحران دخیل است. بنابراین، ترکیبی از نسل‌های سه‌گانه و نیز عامل تحریم، در شمار زمینه‌ها و ریشه‌های بحران ارزی در ایران قلمداد می‌گردد. افزون بر این، برازش مدل نشان می‌دهد که متغیر تحریم، اثر نسل‌های سه‌گانه را تشدید کرده است و اثر مضاعف بر خلق بحران ارزی دارد. برای مقابله با بحران‌های ارزی در ایران در شرایط تحریم براساس رهیافت اقتصاد مقاومتی، استفاده از سیاست تثبیت نرخ اسمی ارز توسط دولت با بسامد محدود (تعبیرات اندک و کنترل شده) در کوتاه‌مدت و کنترل نقدینگی و تشکیل بازار ارز منسجم و کارآ به ترتیب در میان مدت و بلندمدت پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سیاست ارزی، نسل‌های بحران ارزی، اقتصاد مقاومتی، تحریم اقتصادی، اقتصاد ایران.

طبقه‌بندی: JEL: F41, F4, 43, 431, C1

بعد از زوال نظام استاندارد طلا، اغلب کشورها، با پیامد منفی نوسانات فزاینده نرخ ارزها مواجه شدند. بحران ارزی کشورهای آمریکای لاتین در سال‌های ۹۵-۱۹۹۴، بحران ارزی سال‌های ۹۳-۱۹۹۲ در اروپا و بحران ارزی سال‌های ۹۸-۱۹۹۷ جنوب آسیا، در ردیف برخی از مهم‌ترین تلاطمات فزاینده ارزی به شمار می‌رود. بازار ارز جمهوری اسلامی ایران نیز در دهه‌های ۷۰، ۹۰ و سال‌های نخستین سده ۱۴۰۰، به صورت مکرر شاهد نوسانات نرخ ارز و بروز بحران ارزی بوده است.

اندیشمندان اقتصادی برای تحلیل بحران‌های ارزی به تعریف سه نسل ذیل عنوان «الگوهای نسل‌های بحران ارزی» پرداخته‌اند. الگوهای بحران ارزی متعارف، طیفی از عوامل از قبیل وجود مشکلات در متغیرهای بنیادی اقتصاد، ظهور پدیده خودالقایی سفته‌بازی و مشکلات در بخش بانکی را در شمار زمینه‌های بحران ارزی قلمداد کرده‌اند. تجربه‌های متعدد بحران ارزی در بازار ارز ایران، از وجوه تشابه ماهیت بحران ارزی در این کشور با نسل‌های اول، دوم و سوم حکایت دارد. با این وجود، عامل تحریم‌های اقتصادی پدیده‌ایی است که در شمار مهم‌ترین عناصر در کاهش شدید ارزش ریال ایران نقش آفرینی کرده است؛ که در الگوهای نسل‌های سه‌گانه وارد نشده است.

در این مقاله به‌منظور تحلیل جامع عوامل مؤثر بر بحران‌های ارزی در ایران و ارائه توصیه‌های سیاستی مناسب در پی ارائه چارچوب جامع برای تحلیل زمینه‌های شکل‌گیری بحران ارزی و شناخت عوامل مؤثر بر آن می‌باشد. در این تحلیل از رویکرد اقتصاد مقاومتی برای ارائه راهبردهای سیاستی در مواجهه با بحران‌های ارزی و افزایش تاب‌آوری و استحکام اقتصادی استفاده می‌کنیم. براساس فرضیه تحقیق، «وضعیت نامساعد متغیرهای بنیادی، سفته‌بازی و عملکرد بد نظام بانکی و همچنین تحریم عوامل اصلی ایجاد بحران ارزی در ایران می‌باشند».

اهمیت این تحقیق از آن‌رو است که با انجام پژوهش در موضوع بحران‌های ارزی ایران و ادراک ماهیت و زمینه‌های شکل‌گیری این بحران‌ها، مسیر پیشنهاد سیاست‌های مقابله با پیامدهای بحران ارزی را با رهیافت اقتصاد مقاومتی هموار می‌گرداند. از آنجاکه در ساختار اقتصاد ایران، بخش عمده واردات را کالاهای بی‌کشش یا کم‌کشش تشکیل می‌دهد، بخش خارجی اقتصاد نسبت به نرخ ارز حساسیت پائینی دارد. به‌عنوان مثال «در شش ماهه اول سال ۱۴۰۲ بالغ بر ۸۹٫۸ درصد از کل ارزش واردات گمرکی به گروه کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای مورد نیاز تولید و سرمایه‌گذاری اختصاص یافته است» (وبگاه بانک مرکزی ج.ا.ا، ۱۴۰۲). بنابراین، اقتصاد ایران دارای منحنی تقاضای نزولی ارز نیست و منحنی تقاضای ارز مایل به عمودی است (صمصامی، ۱۳۹۸، ص ۶۲). با این وجود، حساسیت بخش داخلی اقتصاد نسبت به نرخ ارز بسیار بالا می‌باشد؛ افزایش نرخ ارز، هزینه‌های تولید و تورم را فزاینده می‌سازد. راه‌حل مساله در آموزه‌های اقتصاد مقاومتی نهفته است؛ که بر تقویت تولید و تکمیل زنجیره آن مشتمل بر تولید داخلی اقلام سرمایه‌ای و

راهبردی تأکید می‌کند. در این صورت، با کاهش واردات اقلام واسطه‌ای و سرمایه‌ای، ارزشبری تولید کاهش می‌یابد و به موجب آن، افزایش نرخ ارز، منحنی عرضه و مکانیزم‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد و اقتصاد در مقابل بحران‌ها و تکانه‌ها مقاوم خواهد بود.

در این مقاله از روش تحلیلی و سنجی استفاده می‌کنیم. در این راستا، نخست به منظور شناسایی سال‌های بحران ارزی و تفکیک حرکت‌های سیکلی از روند بلندمدت متغیر نرخ ارز از فیلتر هودریک - پرسکات، صورت استفاده می‌کنیم؛ در ادامه با استفاده از الگوی باینری پروبیت مدل تحقیق برازش می‌گردد.

در ساختار مقاله، پس از بیان پیشینه تحقیق به ارائه مبانی نظری تحقیق و بررسی پیشینه نوسانات مهم ارزی در ایران می‌پردازیم. بخش بعدی مقاله به تصریح مدل مطلوب نوسانات ارزی در ایران به روش الگوی پروبیت اختصاص دارد. بخش نهایی مقاله نیز حاوی توصیه‌های سیاستی از منظر اقتصاد مقاومتی است.

پیشینه تحقیق

در مطالعات خارجی، پل کروگمن (۱۹۹۷) با واکاوی بحران ارزی آمریکای لاتین، عوامل بنیادی را منشأ نسل اول بحران ارزی می‌داند. آستفلد (۱۹۹۴) دریافت که بحران ارزی در مکانیزم نرخ ارز اروپا، حامل عناصر نسل دوم بحران ارزی می‌باشد. پائولو بزتی و سدريک تایل (۲۰۰۰)، با مطالعه بحران پولی آسیا در سال‌های ۱۹۹۷-۹۸، آن را ناشی از فعالیت عناصر نسل سوم بحران ارزی عنوان می‌کنند. کاراس (۱۹۹۳)، با پژوهش درخصوص منابع نوسانات کلان اقتصاد آمریکا طی دوره ۱۹۷۳-۸۹، عامل اصلی را رشد سریع پول می‌داند. وانگ (۲۰۰۵)، با مطالعه منبع نوسانات نرخ ارز در کشور چین طی دوره زمانی ۱۹۸۰-۲۰۰۳، شوک‌های عرضه و تقاضای واقعی نسبی را منشأ نوسانات ارزی ذکر کرده‌اند. ایچنگرین، رز و ویلیوز (۱۹۹۴) با مطالعه تجربی در باره ۲۲ کشور بین سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۹۲، مشاهدات مربوط به بحران ارزی کشورهای برخوردار از مکانیسم نرخ ارز اروپا (ERM) را با تعادل‌های چندگانه نسل دوم، و مشاهدات مربوط به غیر از مکانیزم یادشده را با پیشی‌بینی مدل نسل اول سازگار یافته‌اند. آتور رحمان و ریسمان حسن (۲۰۱۴)، با مطالعه بحران‌های ارزی بنگلادش با استفاده از معیار فشار نرخ مبادله ارز (EMP)، حساب جاری را به‌عنوان هشدار اولیه بحران ارزی ذکر کرده‌اند. هاگان یلمازکودای (۲۰۰۸)، با بررسی بحران دوگانه بانکی و ارزی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۱ میلادی در ترکیه، ترکیبی از عوامل مطرح‌شده در سه نسل بحران ارزی را قادر به تفسیر بحران یادشده می‌دانند. به‌طور مشابه، میت فریدان (۲۰۰۸) نیز براین است که بحران مذکور و حتی دیگر بحران‌های ترکیه، حامل عناصر مدل‌های سه‌گانه بحران ارزی می‌باشد. ایمان /براهیم /اسماعیل و همکاران (۲۰۱۹)، با بررسی برخی عوامل اقتصادی و سیاسی بر نرخ مبادله دینار عراقی طی مدت ۲۰۰۴ الی ۲۰۱۸، آورده‌اند که تحولات نرخ ارز در عراق متأثر از جنگ، تحریم و تنش‌های سیاسی در کشورهای همسایه می‌باشد.

در مطالعات داخلی، چندین رویکرد دیده می‌شود. در رویکرد اول از نقش عوامل اقتصاد کلان و ساختاری در بروز نوسانات ارزی یاد شده است. مطالعات عادلای رانکوهی (۱۳۸۱)، صباغ کرمانی و شتافی شهری (۱۳۸۴)، حسن و حسین توکلیان (۱۳۹۵) با رویکرد یاد شده تدوین شده است. در رویکرد دوم، آقایی، جباری و کریمی (۱۳۸۷)، و نیز تقوی و محمدی (۱۳۹۰) عوامل پولی را در نوسانات و تلاطمات ارزی تأثیرگذار می‌دانند. در رویکرد سوم، عامل سفته‌بازی و انتظارات به‌عنوان منشأ نوسانات ارزی ذکر گردیده است. مطالعات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴)، مروت و فریدزاد (۱۳۹۴)، و ابونوری، خانعلی‌پور و عباسی (۱۳۸۸)، با رویکرد یاد شده سازگاری دارد. در رویکرد چهارم، از تحریم به‌عنوان عامل نوسانات ارزی ایران یاد شده است. پژوهش‌های ورتایبان کاشانی (۱۳۹۲)، علوی رضوی، شهبازی و احدی (۱۳۹۹)، و طیبی و صادقی (۱۳۹۶)، با چنین رویکردی تدوین شده است.

ملاحظه می‌گردد که در مطالعات انجام شده، برخی از عوامل زمینه‌ای نسل‌های بحران ارزی به‌عنوان منشأ بحران ارزی به محک تجربی رسیده‌اند. ولی در این پژوهش‌ها رویکردی جامع در تحلیل و مدل‌سازی تمام عوامل زمینه‌ای نسل‌های بحران ارزی متعارف صورت نگرفته است؛ در این بررسی‌ها به نقش تحریم نیز کمتر توجه شده است. نوآوری مقاله حاضر علاوه بر مدل‌سازی جامع عوامل بحران ارزی در ایران، ارائه توصیه‌های سیاستی از منظر اقتصاد مقاومتی است.

مبانی نظری

با افول نظام برتن وودز، از اوایل دهه ۱۹۷۰، ادبیات نرخ ارز به سرعت گسترش یافت و مدل‌های بنیادی نرخ ارز به منظور تبیین قواعد حاکم بر رفتار نرخ ارز تدوین گردید. این مدل‌ها به دنبال یافتن روابط علی و معلولی بین نرخ ارز و متغیرهای اقتصاد کلان توسعه یافتند.

با پذیرش نظام ارز شناور، در بسیار از کشورها، رخدادهای نوسانات ارزی مشاهده گردید. تجربه نوسانات مذکور باعث افزوده شدن نظریه‌هایی به ادبیات نرخ ارز گردید که درصدد تبیین رفتار نرخ ارز در شرایط حاکمیت نوسانات فزاینده و افزایش ناگهانی و شدید در برابری نرخ ارز بودند. این نظریه‌ها ذیل الگوهای نسل اول، نسل دوم و نسل سوم بحران‌های ارزی قرار می‌گیرند.

الگوی نسل اول بحران ارزی، توسط پل کروگمن (۱۹۷۹) پایه‌ریزی گردید. وی در پی نظریه‌پردازی پیرامون نوسانات ارزی کشورهای آمریکای لاتین، نقش متغیرهای بنیادی را در ایجاد بحران ارزی برجسته کرد؛ وی بر ناسازگاری‌هایی بین مواضع سیاستی داخلی مانند تعهد به یک نرخ ارز و عدم تعادل‌های ساختاری در اقتصاد مانند مسیر کسری بودجه دولتی دائمی که سرانجام باید پولی شود، تأکید کرد (کروگمن، ۲۰۰۰، ص ۱-۶؛ سی.اف. متز، ۲۰۰۳، ص ۹-۱۰؛ پزنتی و تایل، ۱۳۸۰، ص ۱۶۴-۱۶۵). براساس این تحلیل، کسری بودجه دولت و تامین آن با استقراض از بانک مرکزی منجر به افزایش نقدینگی در جامعه می‌شود؛ تثبیت نرخ ارز و کسری حساب جاری نیز

سبب افزایش تقاضای ارز می‌گردد؛ در نتیجه نرخ ارز افزایش می‌یابد. بنابراین، مهمترین عامل افزایش نرخ ارز عبارت از افزایش نقدینگی ناشی از کسری بودجه دولت و استقراض از بانک مرکزی است.

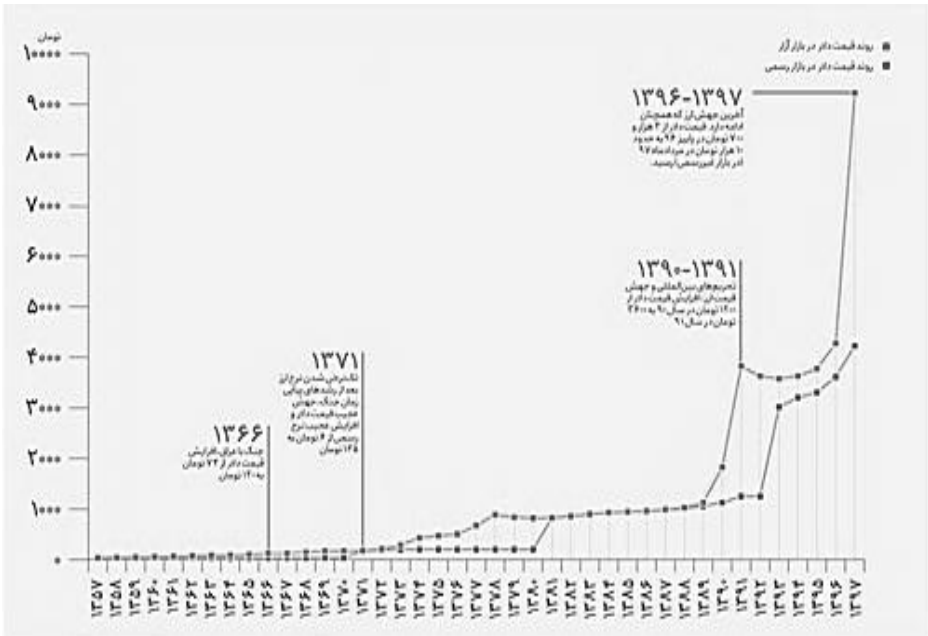
الگوهای نسل دوم، به کوشش *آبستفلمد* (۱۹۹۴)، *فلوود* و *گاربر* (۱۹۸۴) برای تفسیر دلایل حملات سفته‌بازانه در دهه ۱۹۹۰ اروپا عرضه شد؛ این الگوها بعد از بروز بحران در مکانیزم نرخ ارز سیستم پول اروپایی در سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۳ توسعه یافت. نظریه پردازان نسل دوم با تأکید بر ویژگی خودالقای عامل سفته‌بازی در خلق بحران ارزی، بر این اعتقادند که حملات سفته‌بازی لزوماً به دلیل بدتر شدن متغیرهای بنیادی اقتصاد رخ نمی‌دهد؛ بلکه این مشکل می‌تواند به دلیل تغییرات ناگهانی در انتظارات بازار اتفاق بیفتند. بنابراین، کنش و واکنش انتظارات در بازار مرکز ثقل الگوهای نسل دوم بحران ارزی می‌باشد (ایچینگرین و دیگران، ۱۹۹۶، ص ۹-۱۱). چنانچه اعتماد مردم نسبت به اتخاذ سیاست‌های مقامات پولی از بین برود، انتظار افزایش نرخ ارز فزاینده می‌گردد؛ به دنبال این تغییر در انتظارات، آغاز حملات سفته‌بازی در بازار ارز و خلق بحران ارزی پیش‌بینی می‌گردد. اتخاذ راه‌حل سیاستی افزایش نرخ بهره چنانچه از تمایل سفته‌بازان به ورود نقدینگی خود به بازارهای سفته‌بازانه بکاهد، مؤثر خواهد بود؛ رکود بوجود آمده به خاطر ازدیاد هزینه‌های تولید با افزایش صادرات خنثی می‌گردد. ولی تجربه انگلستان و سوئد در سال ۱۹۹۲ که در بحبوحه کاهش ارزش پول ملی به افزایش نرخ‌های بهره اقدام کردند، از تلاش ناموفق و ته کشیدن ذخایر بانکی دو کشور بر اثر حملات سفته‌بازانه حکایت می‌کند (درازن، ۱۳۹۰، ص ۷۶۳)؛ در این صورت، هزینه دفاع از نرخ ارز ثابت بالا می‌رود و سیاست‌گذار در بده بستن هزینه-فایده، دفاع از نرخ ارز ثابت را رها می‌کند.

مدل‌های نسل سوم عموماً بر اعوجاج (distortion) در نظام بانکی به‌عنوان منشأ بحران‌های ارزی تمرکز می‌کنند. براساس مدل‌های نسل سوم، عواملی چون خروج ناگهانی سرمایه‌های خارجی از کشور و بروز محدودیت‌های اعتباری در خلق بحران ارزی دخیل می‌باشند؛ حتی آزادسازی مالی و تضمین‌های دولت در قبال بدهی‌های بخش خصوصی که با رونق وام‌دهی، باعث ایجاد مخاطرات اخلاقی می‌گردد (گلیک و هاچیسون، ۲۰۱۱، ص ۳-۴) از زمینه‌های بروز بحران ارزی به شمار می‌رود. براساس این تحلیل، اگر بانک‌ها انتظار داشته باشند که بانک مرکزی در صورت بروز بحران از آن‌ها حمایت به عمل می‌آورد، به عرضه وام‌های پرمخاطره یا سرمایه‌گذاری‌های با ریسک بالا مبادرت خواهند کرد. همچنین ثبات ظاهری نرخ ارز تثبیت شده انگیزه واسطه‌های مالی را به اخذ وام به پول خارجی و بدون پوشش دادن ریسک مضاعف می‌سازد (پزنتی و تایل، ۱۳۸۰، ص ۹). از این نقطه نظر، ارائه وام‌های پرمخاطره برای بانک‌ها، مخاطرات اخلاقی ایجاد و ترازنامه آن را بدتر می‌کند که در نهایت منجر به بحران بانکی می‌گردد. براساس خوانش *آلن درازن* از کامینسکی و رینهارت (۱۹۹۹)، *رز و اسونسون* (۱۹۹۴)، بحران‌های بانکی و ارزی از لحاظ تجربی ارتباط قوی دارند و می‌توانند یکدیگر را تشدید کنند (درازن، ۱۳۹۰، ص ۷۶۹).

پیشینه نوسانات مهم ارزی در ایران

بازار ارز ایران، تلاطم‌های فزاینده‌ای را تجربه کرده است. این پدیده به وضوح در نمودار ذیل مشاهده می‌گردد. بازار ارز از سال ۱۳۶۸، شاهد ظهور نرخ‌های متعددِ ارز بوده است (بانک مرکزی ج.ا.ا، ۱۳۶۸، ص ۷۸).

شکل ۱: روند قیمت دلار در بازار آزاد و بازار رسمی ایران ۱۳۵۷-۱۳۹۷



منبع: بانک مرکزی ج.ا.ا.

در سال ۱۳۶۹، مجموعه اقداماتی همچون ادغام نرخ ترجیحی در نرخ رقابتی، ایجاد بازار ارز موازی با بازار آزاد در سیستم بانکی و برقراری نرخ شناور ارز در این بازار، به مرحله اجرا درآمد. همچنین حد مجاز اعتبارات صادراتی حذف و پیمان ارزی تغییر شکل یافت. نرخ ارز صادراتی نیز تا سطح نرخ ارز شناور افزایش یافت. مجموع این عوامل تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر نرخ ارز داشت (بانک مرکزی ج.ا.ا، ۱۳۶۹، ص ۹۴-۹۵).

در سال ۱۳۷۲، سیاست‌های ارزی یکسان‌سازی نرخ ارز به اجرا درآمد و نرخ ارز شناور به‌عنوان تنها نرخ مورد استفاده، اعلام گردید (بانک مرکزی ج.ا.ا، ۱۳۷۲، ص ۱۵۵). اجرای این سیاست بدون توجه به واقعیت‌های اقتصادی کشور از جمله کاهش عواید نفتی بر اثر کاهش قیمت نفت، عرضه ارز را کاهش داد که بروز پدیده‌هایی چون کسری تراپرداخت‌ها و ایجاد مشکل در بازپرداخت بدهی‌ها به همراه تورم فزاینده، و افزایش شدید نرخ ارز در نیمه دوم سال ۷۲ و در سال ۷۳ را در پی داشت (سلطانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۵۸). در ادامه، کنترل‌های ارزی مؤثر واقع نشد و نرخ ارز در انتهای ربع اول سال ۱۳۷۴ در بازار آزاد به شدت افزایش یافت. دولت به تثبیت نرخ ارز و ممنوع کردن خرید و فروش آن در خارج از شبکه رسمی اقدام کرد. در سال ۱۳۷۶، صادرکنندگان اجازه یافتند در صورت تمایل واریزنامه ارز صادراتی خود را از طریق بورس اوراق بهادار به دیگری واگذار کنند (بانک مرکزی ج.ا.ا، ۱۳۷۴، ص ۶۵-۶۶؛ بانک مرکزی ج.ا.ا، ۱۳۷۶،

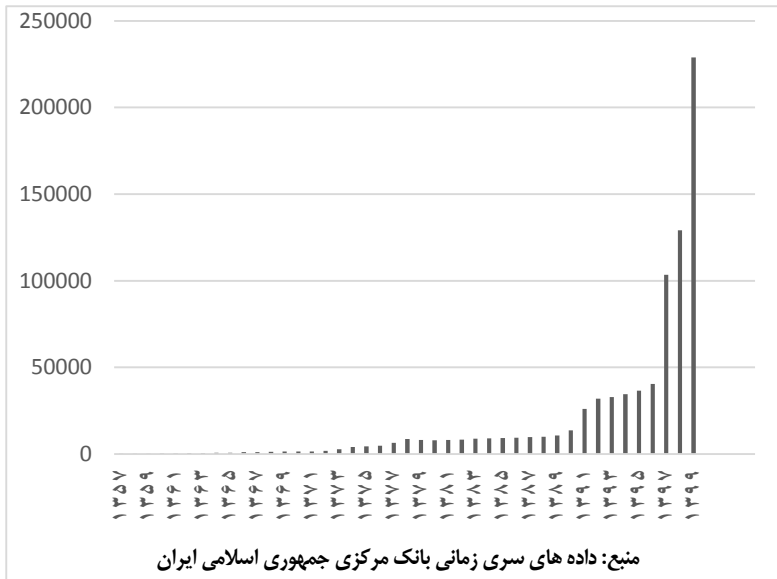
ص ۷۱). بنابراین، در طول دهه ۷۰ دولت تلاش کرد از لنگر اسمی نرخ ارز حمایت کند؛ ولی تعهد به نرخ ارز ثابت با تجربه اعمال سیاست یکسان‌سازی ناموفق ارزی در سال ۱۳۷۲ باعث بازگشت دوباره به نظام چندنرخ شد؛ این سیاست تا سال ۱۳۸۱، حفظ شد.

نظام ارزی کشور که براساس قانون برنامه چهارم و پنجم توسعه در ایران، شناور مدیریت‌شده تعیین شده بود (سلطانی‌نژاد و دیگران، همان، ص ۵۹)، طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۹، با چالش‌های ساختاری در طرف عرضه مواجه شد. اعمال تحریم‌های گسترده غرب علیه نظام مالی ایران در سال ۱۳۸۹ و سپس تشدید آن در سال ۱۳۹۱، به‌عنوان یک عامل طرف عرضه ارز موجب بهم خوردن تعادل عرضه و تقاضا گردید؛ در نتیجه، بهای ارز به رقم بی‌پیشینه تا آن زمان افزایش یافت.

با نقض برجام از سوی آمریکا و بازگشت تحریم‌ها در سال ۱۳۹۷، بازار ارز ایران با بحران ارزی دیگری مواجه گشت. از این‌رو، بانک مرکزی ایران با هدف مدیریت بازار ارز، از تک‌نرخ شدن نرخ ارز و اتخاذ سیاست اختصاص ارز به واردات کالاهای اساسی به قیمت ۴۲۰۰۰ ریال برای هر دلار خبر داد (بنی‌طبا و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲). به‌رغم اتخاذ سیاست یادشده، در عمل، مقامات پولی به لوازم این سیاست مانند پیمان‌سپاری ارزی و مدیریت طرف عرضه و تقاضا پایبند نبودند. در خصوص اختصاص ارز کمیاب به نیازهای اساسی، مدیریت تقاضا به شیوه مطلوب صورت نگرفت؛ افزون بر کالاهای اساسی محدود که مشمول اختصاص ارز گردیدند، تخصیص ارز به مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌گذاری و قطعات تولید نیز می‌بایست صورت می‌گرفت که با ظهور تنگناهای ارزی، صورت نگرفت.

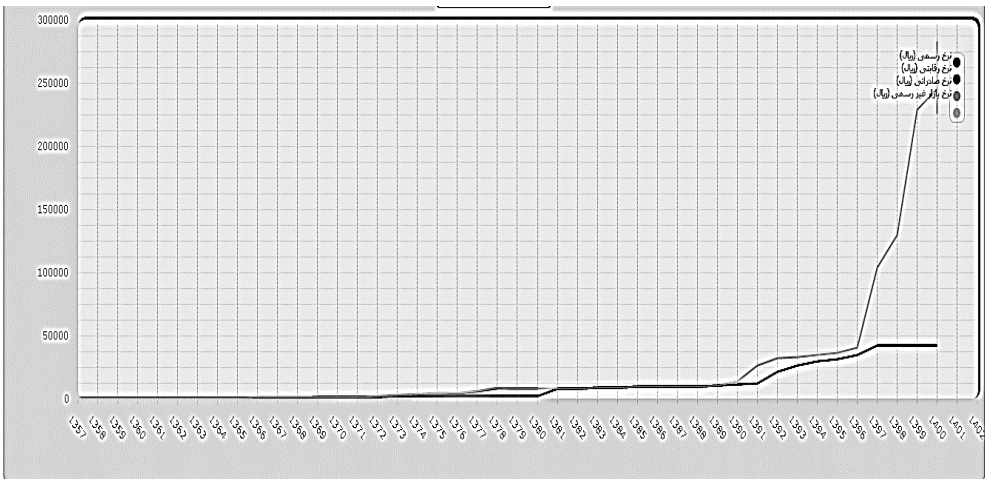
در خصوص مدیریت عرضه، به‌رغم آن که تمام صادرکننده‌ها به عرضه ارز در سامانه نیما ملزم بودند، ولی حتی پتروشیمی‌های در کنترل دولت از پیمان‌سپاری ارز نکول کردند. در تاریخ ۹۷/۱/۲۱، بانک مرکزی بازار ارز آزاد را قاچاق اعلام کرد؛ ولی سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز بر مبنای نرخ بازار آزاد بود. گرچه اصل یکسان‌سازی نرخ برای مدیریت صحیح ارزی لازم است، اما تصویب تشکیل بازار متشکل ارزی بانک مرکزی گام مهمی جهت تسری نرخ ارز بازار آزاد به کل اقتصاد است؛ بازاری که در شرایط تحریم محل نفوذ دشمن و رشد انگیزه‌های سفته‌بازانه است. اجرای این سیاست، بنا به پیش‌بینی کارشناسان، بدون التزام به اقتضانات آن سبب افزایش قیمت‌ها و وارد آمدن فشار بیشتر معیشتی بر مردم گردید (مصصامی، ۱۳۹۸، ص ۹۱-۹۲). در نتیجه اجرای این سیاست، آنگونه که در شکل ذیل مشاهده می‌گردد، بازار ارز از سال ۱۳۹۷ وارد مرحله تازه‌ای از بی‌ثباتی شد؛ مشکلی که از پیامدهای اقدام به اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز بدون توجه به اقتضانات آن بود. در ادامه شیوع بحران ارزی، سال ۱۳۹۹، دوره پرنوسانی در بازار آزاد ارز ایران بود؛ به طوری که متوسط قیمت هر دلار آمریکا در بازار آزاد به نرخ ۲۲۸۸۰۹ ریال رسید.

شکل ۲: نرخ ارز (دلار) در بازار غیر رسمی (ریال)



در اواخر اردیبهشت ماه ۱۴۰۱، سیاست گذار ارزی با شعار تخصیص بهینه منابع و مبارزه با رانت، به یکسان سازی نرخ ارز و حذف ارز ۴۲۰۰۰ ریالی، مبادرت کرد. در نتیجه این سیاست که سیاست گذار از آن به عنوان جراحی ملی معیشتی یاد کرد و بدون برآورده کردن لوازم آن در دستور کار قرار گرفت، نرخ تورم نقطه‌ای در تیر ماه ۱۴۰۱ به عدد ۵۴/۰ درصد رسید (مرکز آمار ایران، ۱ مرداد ۱۴۰۱)؛ به دنبال آن نرخ ارز نیز دوباره جهش کرد.

شکل ۳: نرخ ارز رسمی و غیررسمی طی سال‌های ۱۴۰۲-۱۳۵۷



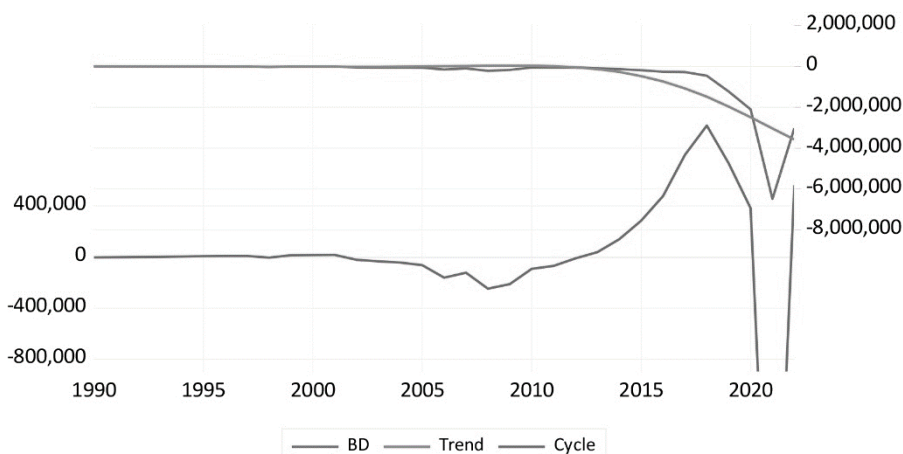
درحالی‌که نرخ ارز در بازار آزاد در ابتدای سال ۱۴۰۱ در دایره ۳۱ هزار تومان در نوسان بود، در انتهای بهمن‌ماه به ۴۷ هزار رسید و در هفته اول اسفندماه از مرز ۶۰ هزار تومان نیز عبور و در ادامه عقب‌نشینی کرد. در سال ۱۴۰۲، با یک ثبات نسبی، نرخ ارز در محدوده ۴۸ هزار تومان در نوسان بود.

ارزیابی نوسانات ارزی ایران براساس مدل‌های متداول نسل‌های بحران ارزی

درخصوص ارزیابی نوسانات ارزی با الگوهای نسل اول، متغیرهای منتخب اقتصاد کلان ایران به وسیله فیلتر هودریک-پرسکات (HP) به دو جزء روند و سیکل قابل تجزیه‌اند. در نمودار ذیل، داده‌های سه متغیر کلان بودجه، رشد تولید ناخالص داخلی و تورم، طی بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۲ میلادی، به وسیله فیلتر هودریک-پرسکات به دو جزء هموار و سیکلی تفکیک گردیده است. براساس خروجی فیلتر مذکور، در آغاز دهه ۹۰ شمسی، روند بلندمدت (terend) متغیر بودجه، به تشدید کسری گرایش دارد. همچنین پیرامون خط روند، نوسانات و سیکل‌های مکرر (cycle)، آشکار است. به‌ویژه در طی سالیان اخیر، توالی از کسری‌ها در رفتار متغیر بودجه، مشاهده می‌گردد. با این وجود، کسری بودجه در صورتی عامل افزایش نرخ ارز می‌باشد که منجر به افزایش نقدینگی گردد. در اقتصاد ایران، کسری بودجه سهم قابل ملاحظه‌ای در پایه پولی ندارد؛ ازاین‌رو، کسری بودجه عامل افزایش نقدینگی نیست؛ بلکه وام‌های اعطایی بانک‌ها به مردم عامل افزایش نقدینگی است. بنابراین، وضعیت نامساعد این متغیر بنیادی، بر وجود نسل اول بحران ارزی در ایران دلالتی ندارد. از دیگر متغیرهای بنیادی اقتصاد کلان ایران، هموارسازی متغیر رشد تولید ناخالص داخلی و متغیر تورم به وسیله فیلتر HP، تواتری از سیکل‌ها را پیرامون خط روند نشان می‌دهد که از وضعیت نامساعد متغیرهای مذکور حکایت دارد؛ نرخ ارز بازار آزاد در سال‌های ۸۹-۹۱ و سال ۹۷ به رقم بی‌پیشینه‌ای افزایش یافت؛ نوسانات تورم فزاینده و نامساعد بود و نمودار سیکلی متغیر رشد تولید ناخالص داخلی، نیز نامساعد و دارای روند نزولی است.

شکل ۴: تفکیک متغیر کسری‌های بودجه ایران برای دوره ۱۹۹۰-۲۰۲۲ به روند بلندمدت و روند سیکلی

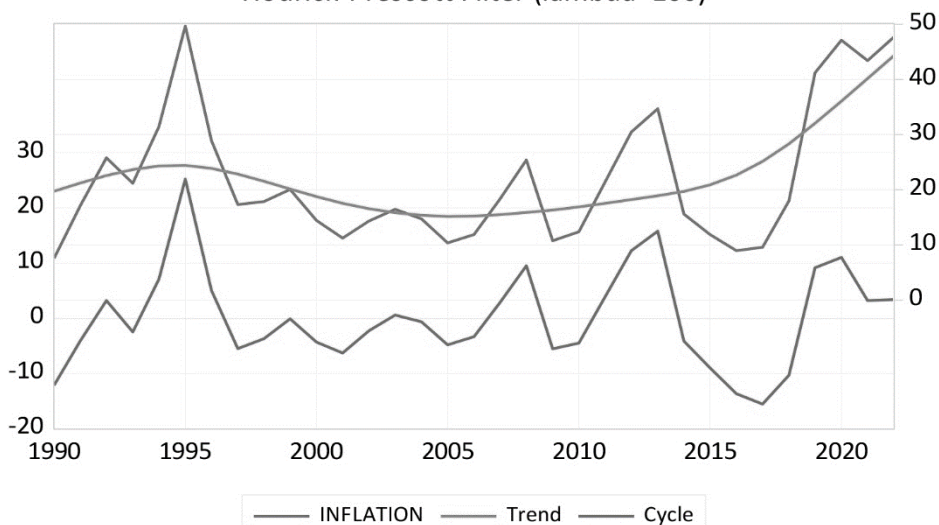
Hodrick-Prescott Filter (lambda=100)



منبع: یافته‌های تحقیق براساس سری‌های زمانی بانک مرکزی

شکل ۵: روند سیکلی و بلندمدت تورم در ایران برای دوره ۱۹۹۰-۲۰۲۲

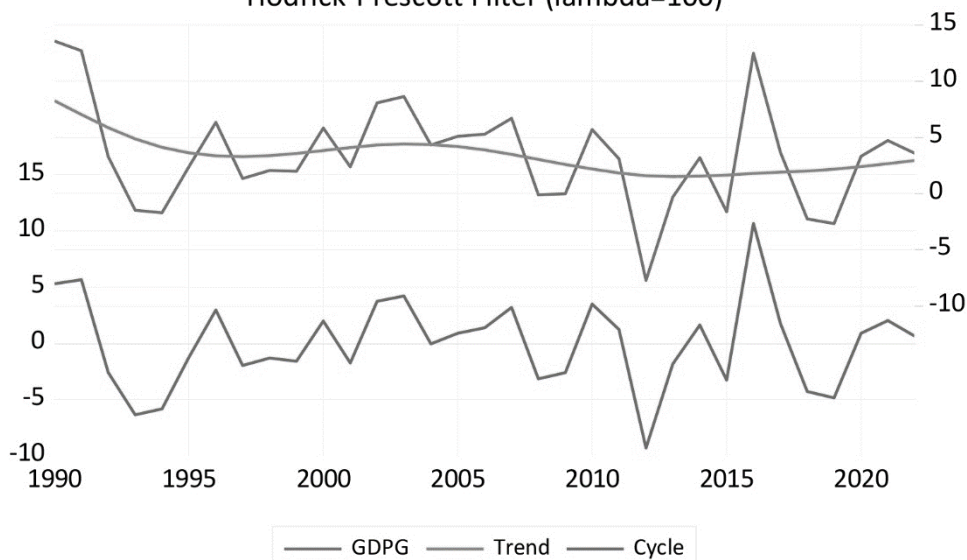
Hodrick-Prescott Filter (lambda=100)



منبع: محاسبات تحقیق براساس سری‌های زمانی بانک مرکزی ایران و داده‌های بانک جهانی

شکل ۶: روند سیکلی و بلندمدت رشد GDP در ایران برای دوره ۱۹۹۰-۲۰۲۲

Hodrick-Prescott Filter (lambda=100)

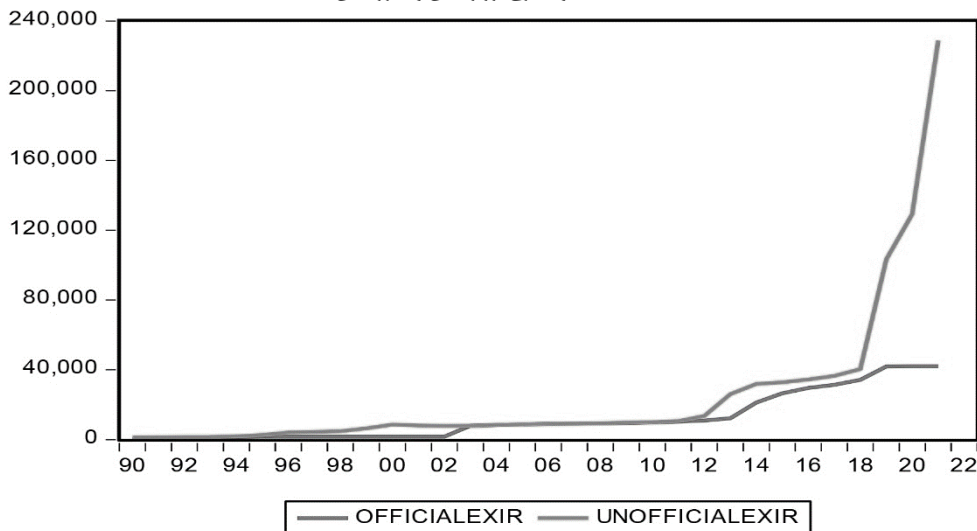


منبع: محاسبات تحقیق براساس سری‌های زمانی بانک مرکزی ایران و داده‌های بانک جهانی

براساس الگوهای نسل اول بحران ارزی، وضعیت نامساعد عوامل بنیادی اقتصاد کلان ایران مانند وضعیت نامطلوب رشد تولید ناخالص داخلی و تورم بالا، را می‌توان با احتیاط در شمار عوامل زمینه‌ای بحران‌های ارزی ایران قلمداد کرد؛ زیرا، روند کاهشی رشد توأم با سیر صعودی تورم، نمی‌تواند تنها به عامل نقدینگی منتسب گردد؛ بلکه براساس الگوی نسل اول بحران ارزی، اتخاذ نامناسب سیاست‌های اقتصاد کلان مانند اعمال سیاست یکسان‌سازی ارز بدون توجه به اقتضائات آن در شمار عوامل زمینه‌ای بحران‌ساز در بازار ارز ایران، به شمار می‌رود.

در خصوص ارزیابی نوسانات ارزی ایران براساس مدل نسل دوم که در آن، عنصر سفته‌بازی عامل کلیدی ایجاد بحران است، تفاضل داده‌های بلندمدت نرخ ارز اسمی و نرخ ارز غیررسمی در ایران، به‌عنوان شاخص سفته‌بازی مد نظر قرار می‌گیرد. اتخاذ تفاضل یادشده به‌عنوان شاخص سفته‌بازی در مطالعات آلن و گیل دارای پیشینه است (آلن و گیل، ۱۹۷۷). با توجه به نمودار شماره ۷، وجود اختلاف فاحش نرخ ارز رسمی و غیررسمی به‌ویژه از سال ۲۰۱۱/۱۳۸۹ به بعد، با فعالیت شدید انگیزه‌های سفته‌بازی در بازار ارز ایران قابل تفسیر است. در اقتصاد ایران، تغییر انتظارات مردم، رفتار بازیگران بازار ارز را تغییر می‌دهد و باعث می‌گردد که سفته‌بازی به‌عنوان پدیده اغلب خودالقایی در بازار ارز عمل کند. این انتظارات، از عوامل متعدد از قبیل افزایش ریسک‌های سیاسی و حتی افزایش اولیه نرخ ارز تأثیر می‌پذیرد؛ بنابراین، افزایش اولیه نرخ ارز سبب شروع حملات سفته‌بازی و تشدید بحران ارزی می‌گردد. در این صورت، سفته‌بازی از جمله عوامل تشدیدکننده بحران ارزی در ایران است؛ زمانی که انتظارات بر اثر ریسک‌های سیاسی تغییر کند، بازهم بازار ارز ایران شاهد رشد حملات سفته‌بازی خواهد بود؛ پس، سفته‌بازی در قامت عامل زمینه‌ای بحران ارزی در ایران عمل می‌کند.

شکل ۷: تفاوت نرخ ارز رسمی و غیررسمی



جهت ارزیابی نقش شبکه بانکی در خلق بحران ارزی مطابق الگوی نسل سوم، از نسبت معوقات بانکی، یعنی نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات شبکه بانکی، به عنوان شاخص اعوجاج در نظام بانکی استفاده می‌کنیم؛ افزایش این نسبت، شبکه بانکی را در معرض محدودیت‌های اعتباری و بحران ارزی قرار می‌دهد.

عملکرد نظام بانکی ایران نشان می‌دهد که نسبت مطالبات غیرجاری بیش از میانگین جهانی است. میانگین جهانی معوقات در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ به ترتیب ۷/۲۳ و ۷/۰۲ درصد می‌باشد (پایگاه اقتصاد جهانی، ۲۰۲۲)، ولی این نسبت در ایران در دو سال یادشده به ترتیب ۱۰ و ۹ درصد می‌باشد (جدول شماره ۱). این امر بر وجود اعوجاج در نظام بانکی ایران دلالت می‌کند که مطابق انتظار نسل سوم بحران‌های ارزی، زمینه خلق بحران ارزی را فراهم می‌کند. هرچند موضوع مطالبات غیرجاری وابسته به شرایط اقتصادی است، ولی با رشد انگیزه‌های سفته‌بازی و جذاب شدن بورس‌بازی در بازار ارز، انگیزه وام‌گیرندگان برای نکول و عدم بازپرداخت تسهیلات افزایش می‌یابد. گیرندگان تسهیلات با تقبل جریمه دیرکرد، وجوه را برای انگیزه‌های سفته‌بازی روانه بازار ارز می‌کنند و به این وسیله به عامل تشدیدکننده نوسانات نرخ ارز تبدیل می‌شوند. بنابراین، مخاطرات اخلاقی در زمره عوامل تشدیدکننده بحران ارزی در ایران عمل می‌کند.

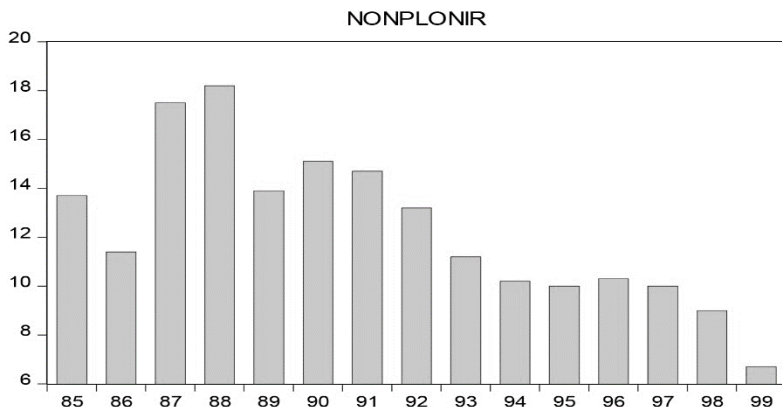
جدول ۱: نسبت مطالبات غیرجاری (شامل مطالبات از بخش دولتی و غیردولتی)

به کل تسهیلات بانکها و موسسات اعتباری در ایران

۲۰۰۶/۱۳۸۵	۲۰۰۷/۱۳۸۶	۲۰۰۸/۱۳۸۷	۲۰۰۹/۱۳۸۸	۲۰۱۰/۱۳۸۹	۲۰۱۱/۱۳۹۰	۲۰۱۲/۱۳۹۱	۲۰۱۳/۱۳۹۲	۲۰۱۴/۱۳۹۳	۲۰۱۵/۱۳۹۴	۲۰۱۶/۱۳۹۵	۲۰۱۷/۱۳۹۶	۲۰۱۸/۱۳۹۷	۲۰۱۹/۱۳۹۸	۲۰۲۰/۱۳۹۹
۱۳٫۷	۱۱٫۴	۱۷٫۵	۱۸٫۳	۱۳٫۹	۱۵٫۱	۱۴٫۷	۱۳٫۲	۱۱٫۲	۱۰٫۲	۱۰	۱۰٫۳	۱۰	۹	۶٫۷

منبع: اداره بررسی‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

شکل ۸: نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات بانکها و موسسات اعتباری در ایران ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۹

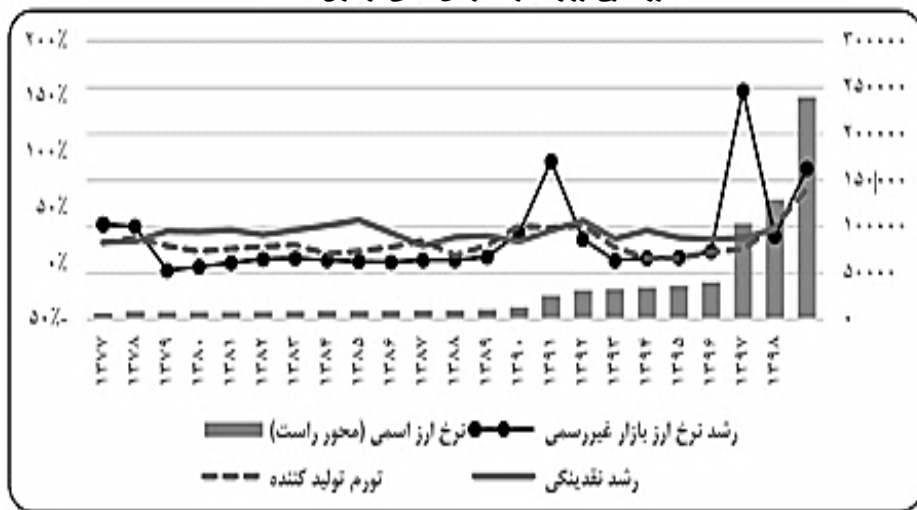


جهت‌گیری جدید در زمینه ارزیابی نوسانات ارزی در ایران

با توجه به آنچه گفته شد، رگه‌هایی از عوامل مطرح‌شده در نسل‌های سه‌گانه بحران‌های ارزی در تشدید تلاطم ارزی ایران مشاهده می‌گردد. بررسی ویژگی‌های نوسانات ارزی کشور گویای آن است که افزون بر عوامل یادشده در سه نسل بحران‌های ارزی، عامل تحریم نیز مؤثر است؛ متغیری که در بین متغیرهای سه نسل یادشده نیست؛ ولی درباره نقش بارز آن در تشدید نوسانات ارزی در کشور ایران تردیدی وجود ندارد.

تحریم بر رفتار بازیگران بازار ارز در ایران اثر می‌گذارد؛ آنان در شرایط تحریم، تقاضای فزاینده‌ای برای ارز دارند. از اواسط سال ۱۳۸۹ تحریم‌های غرب علیه ایران، به نحو بی‌سابقه‌ای، نهادها و ساختارهای مالی را مورد حمله قرار داد و باعث خلق نوسانات فزاینده در بازار ارز گردید؛ نرخ ارز در شروع ربع دوم سال ۸۹ به بالاترین رقم تا آن زمان صعود کرد. همانگونه که در شکل شماره ۹ مشاهده می‌شود، در سال ۱۳۹۱ بازار ارز ایران، با تشدید تحریم‌ها و کاهش ذخایر ارزی بانک مرکزی، یک جهش و رشد ۹۲ درصدی را تجربه کرد؛ بازار ارز با بازگشت مجدد تحریم‌ها در سال ۱۳۹۷ شاهد جهش ارزی بود؛ تا جایی که در اسفندماه سال ۱۳۹۷ شدیدترین جهش ارزی ۲ دهه اخیر یعنی معادل ۱۵۵ درصد رشد در نرخ برابری ارز اتفاق افتاد (خسروی و بیشکایی، ۱۴۰۰، ص ۵).

شکل ۹: روند نرخ ارز و سایر متغیرهای اسمی در ایران ۱۳۷۷-۱۳۹۸



منبع: بانک مرکزی و مرکز آمار

بنابراین، تأثیر متغیر تحریم در تشدید نوسانات ارزی در ایران از پشتوانه رهیافت تاریخی و شواهد آماری نوسانات نرخ ارز برخوردار می‌باشد. از این‌رو، برای تحلیل بحران‌های ارزی باید علاوه بر عوامل مورد توجه در مدل‌های نسل‌های بحران ارزی، به نقش عامل تحریم در بحران ارزی نیز توجه کرد.

تصریح مدل نوسانات نرخ ارز در ایران

ارزیابی نوسانات ارزی با نسل‌های سه‌گانه نشان داد که افزون بر مشاهده رگه‌هایی از عناصر نسل‌های بحران ارزی در پیدایش بحران‌های ارزی در کشور ایران، لزوم جهت‌گیری جدید و توجه به عامل تحریم به‌عنوان یکی از عوامل تشدیدکننده نوسانات ارزی حائز اهمیت است. برای برآزش عناصر مدل‌های سه‌گانه بحران ارزی و نیز عامل تحریم بر متغیر بحران ارزی در ایران، ابتدا به بیان روش‌شناسی مدل می‌پردازیم؛ در ادامه، مفروضات و مولفه‌های مدل نوسانات نرخ ارز تصریح و مدل رگرسیونی به روش پروبیت با استفاده از داده‌های سری زمانی ۳۲ ساله برآورد می‌شود.

روش‌شناسی مدل

بحران ارزی به افزایش شدید و ناگهانی نرخ ارز اشاره دارد. برای شناسایی متغیر بحران ارزی، روش مناسب عبارت از جداسازی جزء نوسانی (سیکل‌ها یا دوران) از سری اصلی (جزء روند) است. اقتصاددانان از فیلتر هودریک-پرسکات (HP) برای این تفکیک استفاده می‌کنند. براساس منطق این فیلتر، یک متغیر سری از قبیل دنباله y_1 تا y_t یا (y_t) به یک جزء روند و یک جزء سیکلی (تصادفی) قابل تجزیه است. عمل تجزیه از طریق کمینه‌کردن مجموع مجذورات انحراف متغیر سری زمانی (y_t) از روند آن (T) به دست می‌آید. این امر مستلزم حل مساله بهینه‌یابی ذیل است:

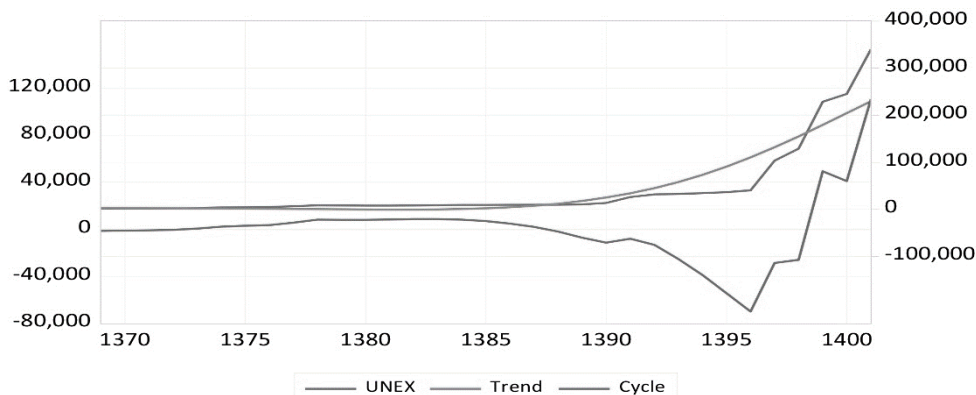
$$\text{Min} \sum_{t=1}^T (y_t - \tau_{y,t})^2 + \lambda \sum_{t=2}^{T-1} [(\tau_{y,t+1}, \tau_{y,t}) - (\tau_{y,t} - \tau_{y,t-1})]^2$$

در رابطه بالا، T تعداد مشاهدات، λ پارامتر عامل موزون است که میزان هموار بودن و یکنواختی روند را اندازه می‌گیرد (هودریک و پرسکات، ۱۹۹۷، ص ۳). در این مقاله، با برآورد میزان انحراف نرخ ارز از روند بلندمدت اجزای سری زمانی، برای شناسایی سال‌های بحران ارزی ایران، از روش فیلتر هودریک-پرسکات استفاده می‌کنیم.

شناسایی سال‌های بحران ارزی

داده‌های سری زمانی نرخ ارز رسمی (جدول ذیل) طی دوره ۱۴۰۱ - ۱۳۶۸، مستخرج از بانک مرکزی، به تواترهای مربوط به جزء سیکلی (نوسانات یا دوران) و جزء روند به روش هودریک - پرسکات، تفکیک گردیده است. در نمودار (۱۰)، خروجی نموداری عمل تجزیه جزء روند بلندمدت و جزء سیکلی (استخراج جزء سیکلی یا نوسانی) از طریق حداقل کردن مجموع مجذورات انحراف متغیر سری زمانی نرخ ارز ترسیم گردیده است. ملاحظه می‌گردد که از سال ۱۳۸۹/۲۰۱۰ بعد روند نرخ ارز در ایران به شدت صعودی گردیده و در اطراف خط روند، حرکت‌های مقطعی و کوتاه‌مدت نرخ ارز، تواتری از چرخه‌ها و سیکل‌ها را پدید آورده است.

شکل ۱۰: سیکل و روند بلندمدت نرخ ارز بازار آزاد ایران
Hodrick-Prescott Filter (lambda=400)



منبع: محاسبات تحقیق براساس داده‌های سری زمانی بانک مرکزی به وسیله فیلتر HP

براساس محاسبات انجام شده توسط نرم افزار ایویوز بر روی داده‌های سیکلی مبتنی بر فیلتر هودریک - پرسکات، خروجی تفاوت سالانه (Year Differened) برای سال‌های مختلف در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲: تفاوت سالانه نرخ ارز در ایران بین سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۲۲

Validity	Year Differened	سال		validity	Year Differened	سال	
		شمسی	میلادی			شمسی	میلادی
.	-۲۰۶۱.۵۷	۱۳۸۶	۲۰۰۷	.	-	۱۳۶۸	۱۹۹۰
.	-۲۸۵۲.۶۴	۱۳۸۷	۲۰۰۸	.	۱۸۵.۷۷	۱۳۷۰	۱۹۹۱
.	-۴۰۲۳.۸۵	۱۳۸۸	۲۰۰۹	.	۲۵۹.۰۸	۱۳۷۱	۱۹۹۲
.	-۵۰۹۵.۳۷	۱۳۸۹	۲۰۱۰	.	۴۹۹.۰۶	۱۳۷۲	۱۹۹۳
.	-۴۳۳۵.۳۲	۱۳۹۰	۲۰۱۱	۱	۱۰۳۸.۵۰	۱۳۷۳	۱۹۹۴
۱	۳۴۱۷.۹۳	۱۳۹۱	۲۰۱۲	۱	۱۶۳۸.۶۷	۱۳۷۴	۱۹۹۵
.	-۵۲۲۱.۱۳	۱۳۹۲	۲۰۱۳	.	۶۸۴.۰۱	۱۳۷۵	۱۹۹۶
.	-۱۲۱۰۴.۶۱	۱۳۹۳	۲۰۱۴	.	۶۴۸.۸۹	۱۳۷۶	۱۹۹۷
.	-۱۳۵۳۶.۵۲	۱۳۹۴	۲۰۱۵	۱	۲۰۳۲.۹۶	۱۳۷۷	۱۹۹۸
.	-۱۵۵۰۸.۶۳	۱۳۹۵	۲۰۱۶	۱	۲۵۳۳.۲۶	۱۳۷۸	۱۹۹۹
.	-۱۵۵۸۹.۸۷	۱۳۹۶	۲۰۱۷	.	-۱۴۳.۲۷	۱۳۷۹	۲۰۰۰
۱	۴۱۳۵۸.۶۲	۱۳۹۷	۲۰۱۸	.	۹۷.۹۵	۱۳۸۰	۲۰۰۱
۱	۲۶۴۳.۶۷	۱۳۹۸	۲۰۱۹	.	۲۴۵.۹۵	۱۳۸۱	۲۰۰۲
۱	۷۵۳۰۱.۶۹	۱۳۹۹	۲۰۲۰	.	۲۹۹.۴۲	۱۳۸۲	۲۰۰۳
.	-۸۳۵۹.۴۸	۱۴۰۰	۲۰۲۱	.	۶۹.۴۸	۱۳۸۳	۲۰۰۴
۱	۶۹۷۱۳.۱۹	۱۴۰۱	۲۰۲۲	.	-۵۱۲.۵۰	۱۳۸۴	۲۰۰۵
				.	-۱۲۲۹.۳۴	۱۳۸۵	۲۰۰۶

منبع: محاسبات سیکل نرخ ارز توسط فیلتر هودریک - پرسکات

تعریف عملیاتی متغیر بحران ارزی چنین است که اگر در یک سال، سیکل مثبت نرخ ارز محاسبه شده توسط فیلتر هودریک - پرسکات (که به مفهوم کاهش ارزش پول داخلی یا افزایش نرخ اسعار می‌باشد)، مقدار «تفاوت سالانه» را بیش از ۷۰۰ انعکاس دهد، سال مورد نظر به‌عنوان سال بحران ارزی انتخاب می‌گردد. علت انتخاب رقم مذکور برای «تفاوت سالانه» به‌عنوان شاخص سال بحران ارزی، آن است که رقم یادشده جامع افراد و مانع اغیاراست و به نحو مطلوبی قادر به شناسایی سال‌های بحران ارزی می‌باشد. در جدول شماره ۲، سال‌های بحران ارزی به شیوه تعریف عملیاتی ذیل استخراج گردیده است:

$$cc_{n,t} = \begin{cases} 1 & \text{if Year Diffrenced} \geq 700 \\ 0 & \text{if Year Diffrenced} < 700 \end{cases}$$

براساس تعریف عملیاتی و معیار ارائه شده، سال‌های ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۹۱، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۱ از مهم‌ترین سال‌های بحران ارزی در ایران به شمار می‌روند و در بازه زمانی ۱۳۶۹ تا ۱۴۰۱، بازار ارز ایران شوک‌ها و بحران‌های ارزی متعددی را تجربه کرده است.

معرفی مدل

به منظور ارائه الگوی جامع مشتمل بر عناصر الگوهای نسل‌های بحران ارزی متعارف و نیز عامل تحریم، از یک مدل ترکیبی بهره‌برداری می‌کنیم که در آن تمام متغیرهای کلیدی مربوط به نسل‌های سه‌گانه و نیز متغیر تحریم به‌عنوان عامل تأثیرگذار در بحران ارزی ایران حضور دارند. در این صورت، مدل ترکیبی ذیل به‌عنوان مدل مطلوب انتخاب می‌شود:

$$VOEX = f(G_1, G_2, G_3, G_4)$$

در رابطه بالا، VOEX نوسانات نرخ ارز (Volatility of exchange rate) و G_1, G_2, G_3, G_4 به ترتیب مولفه‌های مربوط به نسل‌های اول، دوم، سوم بحران ارزی و نیز عامل تحریم‌اند.

نسل اول؛ G_1 ، شامل برزش متغیرهای بنیادی رشد تولید ناخالص داخلی، ترازپرداخت‌ها، تورم و کسری بودجه می‌باشد:

$$G_1: GDPGROWTH, BOP, INFLATION, DEFICIT \quad (۳)$$

نسل دوم؛ G_2 ، مشتمل بر عناصر دخیل در شاخص سفته‌بازی از قبیل نرخ ارز انتظاری (CYCLE) که به وسیله فیلتر HP محاسبه گردیده، و تفاضل نرخ ارز رسمی و غیررسمی ($UNOFEX_t - OFEX_t$) به منظور بررسی نقش عنصر سفته‌بازی در رفتار نرخ ارز در ایران می‌باشد.

$$G_2: SPINDEX_t = CYCLE, (UNOFEX_t - OFEX_t) \quad (۴)$$

برای بررسی نسل سوم بحران‌های ارزی، از شاخص نسبت مطالبات غیرجاری شبکه بانکی به کل تسهیلات اعطایی (NPL: Bank Nonperforming Loans to Total Gross Loans) استفاده می‌کنیم (بانک مرکزی ایران، ۱۴۰۱).

$$G_3: NPL = \frac{\text{Non performing loans}}{\text{total gross loans}} \times 100$$

در مدل این مقاله، عامل تحریم (Sanction) به صورت مجازی در شمار متغیرهای توضیحی وارد می‌گردد؛ برای سال‌هایی که کشور ایران، تحت تحریم بوده، عدد ۱ و برای سال‌هایی که تحریم وجود نداشته است، عدد صفر نسبت داده می‌شود. متغیر وابسته مدل عبارت از بحران ارزی (VO: Volatility) یک متغیر دامی است. این متغیر در سال‌هایی که بحران ارزی وجود داشته باشد، عدد ۱ و در دیگر سنوات، عدد صفر را اختیار می‌کند. بنابراین، مدل مورد برآزش عبارت است از:

$$\begin{aligned} VOEX = & \beta_1 + \beta_2 GDPGROWTH + \beta_3 INFLATION + \beta_4 BD \\ & + \beta_5 CYCLE + \beta_6 (DIFFEX) + \beta_7 NPL \\ & + \beta_8 Sanctions_t \end{aligned} \quad (6)$$

داده‌های سری زمانی مربوط به متغیرها از سری‌های زمانی بانک مرکزی و بانک جهانی استخراج گردیده است؛ برآورد رگرسیونی مدل نیز توسط نرم افزار Eviews 10 انجام شده است.

نتایج تجربی و تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور بررسی مانایی متغیرها از آزمون دیکی فولر استفاده می‌کنیم. نتیجه بررسی مانایی متغیرها از عدم وجود ریشه واحد در آزمایش‌های مختلف ریشه واحد حکایت دارد که خروجی آن در جدول ذیل انعکاس یافته است.

جدول ۳: بررسی مانایی متغیرهای مدل

ردیف	نوع متغیر	وجود ریشه واحد	سطح مانایی
۱	درصد رشد تولید ناخالص داخلی	-	I_0
۲	کسری بودجه	در سطح	I_1
۳	تفاضل نرخ ارز رسمی و غیررسمی	در سطح و با یکبار تقاضل‌گیری	I_2
۴	تورم	در سطح	I_1
۵	معوقات	در سطح و با یکبار تقاضل‌گیری	I_2
۶	تحریم	در سطح	I_1
۷	شاخص نرخ ارز انتظاری	در سطح و با یکبار تقاضل‌گیری	I_2
۸	شاخص بحران ارزی	-	I_0

از آنجاکه متغیر وابسته مدل یعنی بحران ارزی، دامی بوده و مقدار کیفی را اختیار می‌کند، در زمره متغیر باینری دسته‌بندی می‌گردد. مدل پروبیت الگوی مناسب برای برآورد متغیرهای کیفی می‌باشد. از این‌رو، از الگوی پروبیت برای تخمین معادله استفاده می‌شود؛ برآورد مدل براساس داده‌های سری زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۲ مستخرج از بانک مرکزی ایران و بانک جهانی، در جدول ذیل آمده است:

جدول ۴: برآورد مدل منشاء بحران‌های ارزی در ایران بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۲

Variable	Coefficient	Std. Error	z-Statistic	Prob.
C	3.152132	3.688528	0.854577	0.3928
INFLATION*CYCLE	-3.21E-05	2.11E-05	-1.518049	0.1290
GDPG(-1)	-0.453172	0.248553	-1.823242	0.0683
BD*CYCLE	2.06E-09	1.12E-09	1.843630	0.0652
DIFFEX*CYCLE	7.60E-09	1.45E-08	0.525052	0.5995
NPL(-1)	-0.350473	0.443144	-0.790878	0.4290
SANCTION2*CYCLE	0.001612	0.000860	1.873725	0.0610
CYCLE*NPL	7.79E-05	4.15E-05	1.878645	0.0603
SANCTION2*DIFFEX*INFLATION	4.99E-05	2.81E-05	1.773326	0.0762
EXCHANGEOFFICIAL*DIFFEX*SANCTI...	-5.06E-09	1.06E-08	-0.476898	0.6334

منبع: محاسبات تحقیق

رگرسیون فوق به‌طور کلی معنادار است. با توجه به داده‌های موجود، اثر متغیر توضیحی تورم بر متغیر وابسته بحران ارزی در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنادار نیست. تأثیر متغیرهای ضربی نرخ ارز اسمی، تفاضل نرخ ارز رسمی و نرخ ارز غیررسمی و تحریم (EXCHANGEOFFICIAL* DIFFEX *SANCTION) بر متغیر وابسته معنادار نمی‌باشد. متغیر رشد تولید ناخالص داخلی با وقفه، اثر معناداری بر بحران ارزی در سطح معناداری ۱۰ درصد نشان می‌دهد؛ یافته‌ای که با نسل اول بحران ارزی سازگاری دارد. در این صورت، افزایش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (GGDP) در دوره قبل، اثر غیرمستقیم بر بحران ارزی دارد. افزایش رشد تولید ناخالص داخلی از بحران ارزی می‌کاهد و کاهش آن باعث افزایش زمینه‌های بروز بحران ارزی می‌گردد.

متغیر ضربی کسری بودجه و نرخ ارز انتظاری (BD Cycle*) در سطح اطمینان ۹۰ درصد، اثر معناداری بر بحران ارزی در ایران دارد. براساس این تخمین، زمانی که کسری بودجه با پدیده انتظارات در بازار ارز همراه گردد، بحران ارزی را تشدید می‌کند.

تأثیر متغیر ضربی تفاضل نرخ ارز رسمی و غیررسمی به همراه نرخ ارز انتظاری نیز معنی‌دار نیست؛ ولی متغیر یادشده به همراه متغیر تحریم و متغیر تورم اثر معناداری بر متغیر بحران ارزی دارد. این یافته، بیانگر اثر ترکیبی عناصر نسل اول و نسل دوم و نیز عامل تحریم بر بحران ارزی می‌باشد؛ از این‌رو، ترکیبی از عوامل سفته‌بازی، شرایط تورمی و تحریم‌ها زمینه تشدید بحران ارزی را ایجاد می‌کنند.

متغیر معوقات (NPL)، به تنهایی و با یک وقفه بر متغیر وابسته دارای اثر معنادار نیست؛ ولی زمانی که نسبت مذکور با نرخ ارز انتظاری توأم می‌گردد، متغیر ضربی یادشده اثر معنادار بر بحران ارزی به جای می‌گذارد. در این صورت زمینه‌های بروز نسل سوم بحران ارزی با توجه به عنصر انتظارات، در بحران ارزی ایران وجود دارد. متغیر ضربی تحریم و نرخ ارز انتظاری در سطح اطمینان ۱۰ درصد، تأثیر مثبت و معنادار بر بحران ارزی دارد. به موجب برآورد انجام شده، افزایش تحریم، همراه با افزایش انتظارات در بازار ارز، بحران ارزی را تشدید می‌کند. این برآورد تأییدی بر الگوی نسل دوم بحران ارزی و نیز دخیل بودن عامل تحریم در خلق بحران مذکور است.

براساس یافته‌های این پژوهش، مطابق نسل اول بحران‌های ارزی، بخشی از نوسانات ارزی در ایران به دلایل بنیادی مانند تورم‌های بالا و سیاست‌های نامناسب اقتصادی رخ می‌دهد. همچنین حملات سفته‌بازان به بازار ارز مطابق الگوی نسل دوم بحران ارزی، از جنبه خودالقایی برخوردار است؛ سفته‌بازان با اطمینان از حملات موفق خود و تردید نسبت به عزم یا توانایی مقامات پولی در جهت مقابله با بحران، حرکت‌های گله‌ای را به سمت تقاضای فزاینده ارز ایجاد و به شکل‌گیری انتظارات فزاینده و ایجاد بحران ارزی دامن می‌زنند. شاخص‌های مربوط به نسل سوم بحران ارزی نیز به‌عنوان عامل بحران ارزی، از تأیید شواهد تجربی برخوردار گردید. همچنین وجود رابطه معنادار بین عامل تحریم و بروز بحران ارزی، از نقش تأثیرگذار عامل تحریم بر بروز بحران ارزی در ایران حکایت دارد. بنابراین، تحریم، یک عنصر قابل ملاحظه در تشدید بحران‌های ارزی قلمداد می‌شود.

درنهایت، یافته‌های تحقیق نشان داد: نسل‌های سه‌گانه متعارف بحران ارزی و عامل تحریم، در شمار عوامل تشدیدکننده نوسانات ارزی در ایران به شمار می‌روند. جستار تاریخی تحولات ارزی در ایران بیانگر این واقعیت است که عامل اصلی و زمینه‌ای که مجال بروز و ظهور عوامل تشدیدکننده نسل‌های متعارف و تحریم را مساعد ساخته است، عبارت از اجرای سیاست‌های ارزی توسط مقامات پولی بدون التزام به لوازم آن می‌باشد. به‌عنوان نمونه، بحران ارزی سال ۱۳۸۹ بر اثر تنگناهای به وجود آمده در نظام نرخ ارز شناور مدیریت شده به وجود آمد؛ در بحران ارزی سال ۱۳۹۷، اجرای نامناسب سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز موجب تلاطمات ارزی فزاینده گردید. در این سال، دولت معادل ۳۸ میلیارد دلار برای ۴۲۰۰ تومانی و دلار نیمایی اختصاص داد (وبگاه بانک مرکزی ج.ا.ا، ۱۳۸۹/۰۲/۰۷). آمار رسمی گمرک ج.ا.ا، در سال مذکور نیز حاکی از ۴۲/۶ میلیارد دلار واردات و ۴۴/۳ میلیارد دلار صادرات است (گمرک ج.ا.ا، آمار مقدماتی مقایسه‌ای صادرات غیرنفتی و واردات طی دوازده ماهه سال‌های ۹۷-۱۳۹۶).

تفاضل مجموع دو ارز دولتی و نیمایی از ارزش واردات بیانگر آن است که ۴٫۵ میلیارد دلار واردات بدون انتقال ارز و یا از محل بازار آزاد تامین شده است (صمصامی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۴). چنانچه از کل صادرات یادشده (۴۴/۳ میلیارد دلار)، مقدار صادرات غیر نفتی اما آلوده به نفت (پتروشیمی‌ها) که براساس آمار گمرک به ۱۱/۳ میلیارد دلار بالغ می‌گردد، کسر گردد، میزان صادرات غیرنفتی حقیقی ۳۲/۹ میلیارد دلار می‌باشد.

تحلیل ارز صادراتی نشان می‌دهد که به جز صادرات نفتی و مشتقات نفتی که دولت بر آن سیطره دارد و ارز دولتی و نیمایی را به خود اختصاص می‌دهد، به میزان ۳۲/۹ میلیارد دلار ارز توسط صادرکنندگان غیردولتی باید به چرخه اقتصاد کشور بازگردد. از آنجا که براساس گزارش‌های واصله، ۴/۷ میلیارد دلار از ارز عرضه شده در سامانه نیما توسط بانک مرکزی تزریق شده است (همان، ص ۱۱۵)؛ ولی ۲۸/۲ میلیارد دلار از ارز صادراتی پیمان‌سپاری نشده است. این ارز در قالب اموری چون فرار سرمایه، تامین قاچاق، گردشگری لوکس، ذخیره برای اهداف سفته‌بازی، فروش اعتباری که هنوز ارز آن بازنگشته است و برای تخفیف فروش کالاهای صادراتی در خارج و سایر هزینه‌های صادرکنندگان مانند هزینه‌های انتقال تخصیص می‌یابد (همان).

انحرافات در تخصیص ارز نشانگر ناکارآمدی سیاست‌های ارزی و مشکلات ساختاری حاکم بر سیاست‌های اقتصادی کشور می‌باشد. بنابراین، به‌رغم آن که دولت بر یکرسان‌سازی نرخ ارز تأکید می‌کند؛ اما به لوازم این سیاست پایبند نیست و پیمان‌سپاری ارزی را به نحو مطلوب مدیریت نمی‌کند. در این صورت، عامل اصلی نوسانات ارزی ناکارآمدی سیاست‌های ارزی مقامات پولی می‌باشد.

توصیه‌های سیاستی مدیریت بحران‌های ارزی از منظر اقتصاد مقاومتی

یکی از راهبردهای قابل ارائه برای مدیریت بحران‌های ارزی، اقدام بر اساس سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. مقام معظم رهبری، اقتصاد مقاومتی را «الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی» می‌داند؛ الگویی که پیروی از آن باعث می‌شود «اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۱/۲۹). این الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور ایران است؛ اما منحصر به آن نیست و دغدغه دیگر کشورها نیز می‌باشد؛ بسیاری از کشورها، متناسب با شرایط خودشان به فکر اقتصاد مقاومتی افتاده‌اند (همان، ۱۳۹۳/۰۱/۰۱). چنین اقتصادی در مقابل فشارها و آسیب‌پذیری‌ها ایمن است؛ زیرا، «اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند» (همان، ۱۳۹۱/۰۶/۰۲)؛ «یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند» (همان، ۱۳۹۱/۰۷/۱۸).

از دیدگاه مقام معظم رهبری، مقاوم‌سازی اقتصاد، مردم‌محوری، حمایت از تولید ملی، دانش‌محوری، درون‌زایی، برون‌گرایی، بر خورداری از عدالت اجتماعی و مدیریت مصرف ارکان اقتصاد مقاومتی را شکل می‌دهند.

جدول ۵: ارکان اقتصاد مقاومتی

ارکان	مستند
مقاوم‌سازی اقتصاد	«در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۱/۰۱). «ما بیشتر بایستی اهتمام بورزیم به اینکه پایه‌های اقتصاد را محکم کنیم و اقتصادمان را مقاوم‌سازی کنیم» (همان، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).
مردم‌محوری	«اقتصاد مقاومتی شرائط و ارکانی دارد؛ یکی از بخش‌هایش همین تکیه به مردم است» (همان، ۱۳۹۱/۰۶/۰۲). «... بیانات و معارف اسلامی هم تأکید می‌کند که هرجا مردم می‌آیند دست خدا هم هست. یدُ اللهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ... ما بایست به مردم تکیه کنیم، بها بدهیم؛ مردم با امکاناتشان باید بیایند در وسط میدان اقتصادی؛ فعالان، کارآفرینان، مبتکران، صاحبان مهارت، صاحبان سرمایه، نیروهای متراکم و بی‌پایانی که در این کشور وجود دارد» (همان، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).
حمایت از تولید ملی	«یک رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است» (همان، ۱۳۹۱/۰۶/۰۲). «ستون فقرات اقتصاد مقاومتی تولید داخلی است» (همان، ۱۳۹۳/۰۲/۱۰). «در اقتصاد مقاومتی تکیه بر تولید داخلی است، بر استحکام بنیه درونی اقتصاد است. رونق اقتصادی هم این است؛ رونق اقتصادی با تولید حاصل می‌شود، با فعال کردن ظرفیت‌های درونی کشور حاصل می‌شود، نه با چیز دیگر» (همان، ۱۳۹۳/۰۴/۰۶).
دانش‌محوری	«از مؤلفه‌های سیاست‌های مقاومتی، مسئله دانش‌محوری است که این هم یک مشخصه بسیار مهمی است. مهم‌ترین زیرساخت اقتصادی برای یک کشور، وجود نیروهای انسانی است. اگر چنانچه ما به این نکته... توجه کنیم، طبعاً چرخه علم تا ثروت - مخصوصاً در بخشهایی که دارای مزیت هستند - به راه خواهد افتاد و امتداد پیدا خواهد کرد؛ و این در اقتصاد مقاومتی ان‌شاءالله روی می‌دهد» (همان، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).
درون‌زایی	«گفتیم این اقتصاد درون زاست. «درون زاست» یعنی چه؟ یعنی از دل ظرفیت‌های خود کشور ما و خود مردم ما می‌جوشد؛ رشد این نهال و این درخت، منگی است به امکانات کشور خودمان؛ درون‌زا به این معناست» (همان، ۱۳۹۳/۱/۱).
برون‌گرایی	«گفتیم این اقتصاد ... برون‌گراست؛ با اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصاد کشورهای دیگر با قدرت مواجه می‌شود» (همان، ۱۳۹۳/۱/۱).
برخورداری از عدالت اجتماعی	«... یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ما، شاخص عدالت اجتماعی است. باید طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی کلمه بهره‌مند بشوند» (همان، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).
مدیریت مصرف	«مسئله‌ی مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسئله توجه کنند که امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است.» (همان، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳).

براساس یافته این پژوهش، عامل تحریم اثر نسل‌های سه‌گانه متعارف بحران ارزی را تشدید می‌کند. در این راستا، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از توانمندی ارائه راهکار مطلوب برای مقابله با عامل تحریم برخوردار است؛ اعمال این سیاست‌ها بستری را فراهم سازد که اقتصاد نسبت به نوسانات ارزی مقاوم باشد. به منظور آن که الزامات اقتصاد مقاومتی برآورده گردد، لازم است سیاستی در بازار ارز اتخاذ گردد که اولاً، اقتصاد در برابر شوک‌ها و بحران‌های

ارزی مقاوم باشد؛ ثانیاً، تولید ملی به‌عنوان ستون فقرات اقتصاد مقاومتی حمایت‌گردد و اقتصاد از دل ظرفیت‌های مردم و به‌صورت درون‌زا رشد کند؛ ثالثاً، تولید ثروت و سرمایه ملی بر مبنای عدالت اجتماعی استوار گردد. به منظور تحقق ویژگی‌های مورد اشاره، لازم است مقامات پولی سیاستگذار مبادرت به اتخاذ سیاست‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت کنند.

توصیه سیاستی کوتاه‌مدت

تحلیل نظام ارزی در ایران بیانگر چند ویژگی اساسی زیر است:

اولاً، متحنی عرضه و تقاضای ارز مایل به عمودی‌اند؛ از این‌رو، در چنین بازاری کشف قیمت صورت نمی‌گیرد. بازار به سازوکاری اطلاق می‌گردد که در آن عرضه و تقاضا توسط عوامل ذره‌ای و به‌طور رقابتی انجام شود؛ در جایی که عمده ارز از سوی دولت عرضه می‌گردد که آن هم تابع شرایط برون‌زا و وضعیت حاکم بر بازار نفت است، وجود بازار منسجم و رقابتی دور از ذهن است (صمصامی، ۱۳۸۹، ص ۷۱؛ شاکری، ۱۳۹۱، ص ۱۹۲).

ثانیاً، ماهیت عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان بازار ارز غیررسمی بیانگر آلوده بودن این بازار به فساد و عدم مشروعیت است. عرضه‌کنندگان این بازار به‌جز دولت چهار دسته‌اند: ۱. صادرکنندگان غیرنفتی، ۲. قاچاق‌چیان صادرکننده، ۳. صاحبان ارزهای خانگی، و ۴. بانک مرکزی که برای جلوگیری از نوسانات بازار به تزریق ارز می‌پردازد. تقاضاکنندگان بازار مذکور نیز چند گروه‌اند: ۱. واردکنندگان رسمی که به اندازه کافی ارز نیمایی دریافت نمی‌کنند، ۲. واردکنندگان کالای قاچاق، ۳. متقاضیان خروج سرمایه، ۴. متقاضیان ارز مسافرتی، ۵. سفته‌بازان، و ۶. متقاضیان سازمان‌یافته از سوی دشمنان خارجی به هدف به‌هم ریختن بازار ارز (صمصامی، ۱۳۹۸، ص ۸۴-۸۸). از آنجاکه بانک مرکزی «هرگونه معامله خارج از صرافی‌های مجاز و بانک‌ها» را غیرقانونی اعلام کرده است (اطلاعی شماره ۲ بانک مرکزی، ۹۸/۰۱/۲۱)، فعالیت‌های بازار ارز غیررسمی به‌جز در موارد اقدام دولت برای مهار نرخ ارز، فاقد وجاهت قانونی، غیرقانونی و فسادزا است.

ثالثاً، فعالیت فسادزای بازیگران بازار ارز غیررسمی سبب آسیب‌پذیری تولید به‌عنوان ستون فقرات اقتصاد مقاومتی می‌گردد. در این صورت، بر مبنای رهیافت اقتصاد مقاومتی، ضرورت حذف بازار آزاد از نقش‌آفرینی در تخصیص منابع ارزی انکارناپذیر است.

رابعاً، تحریم اقتصادی یکی از عوامل تشدیدکننده بحران‌های ارزی در ایران است. در شرایطی که نظام سلطه تلاش می‌کند با استفاده از ابزار تحریم به اقتصاد کشور آسیب برساند، سازوکار بازار ارز به دلایل پیش‌گفته از مشروعیت برخوردار نیست؛ دشمن از این ابزار برای اعمال فشار اقتصادی استفاده می‌کند؛ تزلزلی که برخلاف رکن مقاوم‌سازی اقتصاد در اقتصاد مقاومتی است. همچنین، در شرایط تحریم، انگیزه‌های سفته‌بازانه به شدت فعال می‌شود و مکانیزم بازار تحت تأثیر بی‌ثباتی‌های فزاینده از دست‌یابی به نرخ‌های باثبات و تعدیل قیمت‌ها ناتوان می‌گردد. در کنار آن، قاچاق ارز و خروج

سرمایه فزونی می‌یابد. پیامد این شرایط به صورت نوسانات شدیدتر نرخ ارز تجلی می‌یابد. بنابراین، در شرایط تحریم، ساختار بازار به شیوه مطلوب عمل نخواهد کرد و دست نامرئی شکست می‌خورد و به‌عنوان ابزار اعمال فشار اقتصادی دشمن عمل می‌کند؛ چنین بازاری صلاحیت کشف قیمت را ندارد و براساس آموزه‌های اقتصاد مقاومتی، مبنی بر لزوم مدیریت منابع ارزی (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۶/۰۲) دخالت دولت برای سازماندهی وضعیت مزبور ضروری است.

پس به دلایل یادشده، ضروری است دولت در دوره گذار و در شرایط جنگ اقتصادی، به تثبیت نرخ ارز اقدام کند؛ خود نقش تخصیص‌دهندگی منابع ارزی به کالاهای اساسی و نهاده‌های تولیدی را بر عهده بگیرد و آن را براساس نیازهای واقعی جامعه تخصیص بدهد. بر اساس شیوه پیشنهادی (شکل شماره ۱۱)، متقاضی ارز برای واردات کالاهای اساسی و نهاده‌ها، به شبکه بانکی مراجعه و تقاضای ارز را ارائه می‌کند. بانک‌ها بعد از بررسی تقاضا، نیاز متقاضی را تشخیص داده و در صورت تأیید مطابقت با اولویت‌ها، ارز را به متقاضی حقیقی اختصاص می‌دهند. بعد از تخصیص ارز، واردات کالا توسط نظام گمرکی ثبت می‌شود و مورد نظارت قرار می‌گیرد. درنهایت کالا در فرآیند تولید و مصرف قرار می‌گیرد.

شکل ۱۱: چگونگی مدیریت تخصیص ارز



در سیاست تثبیت نرخ ارز توسط دولت، کشف قیمت به بازار ارز سپرده نمی‌شود؛ در این صورت سیاست مذکور مطابق الگوی نسل اول بحران ارزی عامل ایجاد بحران ارزی نخواهد بود؛ بلکه چون تخصیص ارز و کنترل نرخ آن توسط

دولت و به کمک شبکه بانکی صورت می‌گیرد، بازار از نقش تخصیص‌دهندگی منابع ارزی به کالاهای اساسی و نهاده‌های تولیدی حذف می‌گردد و به جای آن، دولت اقدام به نیازسنجی، اولویت‌بندی و تخصیص منابع ارزی ارزی براساس اولویت‌ها می‌کند.

پیامد ورود دولت به تعیین نرخ ارز و مدیریت تخصیص آن براساس اولویت‌ها در شرایط تحریم اقتصادی، مقاوم‌سازی اقتصاد و تقویت تولید به‌عنوان مهم‌ترین ارکان اقتصادی مقاومتی است. در این صورت، از ظرفیت‌های مردمی و اقتصاد درون‌زا استفاده بهینه صورت می‌گیرد، شرکت‌های دانش‌بنیان توسعه می‌یابند، صادرات ارتقا پیدا می‌کند و واردات بهبود می‌یابد. چنانچه قیمت‌ها افزایش یابد، واردات از خارج انجام نمی‌شود و در داخل تولید می‌گردد؛ در این صورت، ارزی‌بری تولید کاهش می‌یابد و شوک تحریم از طریق نرخ ارز به اقتصاد کشور وارد نمی‌شود؛ عدالت اجتماعی تقویت می‌شود و بدین‌وسیله از آسیب‌پذیری اقتصادی کشور کاسته می‌شود.

توصیه سیاستی میان‌مدت

در بررسی‌های پیشین، نقش عناصر الگوهای بحران ارزی متعارف مانند افزایش فعالیت‌های سفته‌بازی و نیز افزایش مطالبات غیر جاری بانک‌ها در تشدید بحران‌های ارزی ایران مشاهده گردید. پدیده‌هایی مذکور با سیلان نقدینگی بدون پشتوانه در اقتصاد همبستگی دارد. از آنجاکه تقویت و حمایت از تولید، مهم‌ترین رکن اقتصاد مقاومتی را تشکیل می‌دهد، هدایت نقدینگی به سمت بخش‌های مولد و مراکز تولید اقلام سرمایه‌ای و راهبردی و شرکت‌های دانش‌بنیان، ضروری است؛ تا از ورود نقدینگی به بازار ارز و دیگر بازارها و ایجاد بی‌ثباتی‌های بخشی و بین بخشی ممانعت به عمل آید.

افزون براین، اصلاح سیاست‌های ارزی؛ رفع ناترازی‌های اقتصادی؛ مبارزه با پدیده قاچاق و رانت‌خواری؛ اصلاح نظام مالیاتی؛ افزایش ذخایر ارزی از طریق تقویت تولید و افزایش صادرات غیرنفتی، استقلال بودجه از نفت، ایجاد ثبات پولی و کاهش تورم و ایجاد فناوری از دیگر توصیه‌های سیاستی میان‌مدت به شمار می‌رود.

توصیه سیاستی بلندمدت

مهم‌ترین اقدام بلندمدت در بازار ارز ایران عبارت از تشکیل بازار ارز عمیق و منسجم همانند سایر کشورها است. نقش‌آفرینی عوامل ذره‌ای عرضه و تقاضا مهم‌ترین ویژگی این بازار است و به عوامل بازار اجازه می‌دهد که نرخ ارز تعادلی را تعیین کنند. بنابراین، در بلندمدت بر اتخاذ سیاست‌های جانب تقاضا و عرضه و استخراج نرخ تعادلی به صورت درون‌زا در یک بازار سازمان‌یافته و کارا تأکید می‌گردد. از آنجاکه شکل‌گیری بازار ارزی منسجم و کارآ نیازمند تنوع منابع ارزی است، با تقویت تولید به‌عنوان یکی از ارکان اساسی اقتصاد مقاومتی و اجرای سایر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از جمله توسعه کارآفرینی؛ محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت و توانمندسازی عوامل تولید، افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان، حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و

خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۱/۲۹)، موجبات تنوع بخشی به صادرات و در نتیجه ازدیاد مجاری ارزآوری و ایجاد بازار رقابتی میسر می‌گردد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، نقش عوامل مطرح شده در نسل‌های بحران ارزی در ایجاد بحران ارزی در ایران بررسی شد؛ علاوه بر آن نقش عامل تحریم اقتصادی نیز ارزیابی شد. براساس مدل برازش شده در این مقاله، بحران‌های ارزی در ایران تحت تأثیر متغیرهای مدل‌های سه نسل بحران ارزی و همچنین متغیر تحریم اقتصادی به عنوان نسل چهارم قرار دارد. براساس یافته‌های پژوهش، عامل تحریم، اثر نسل‌های سه‌گانه را تشدید می‌کند. افزون بر این، اجرای سیاست‌های ارزی بدون توجه به اقتضات زمینه‌های شکل‌گیری بحران ارزی موجب تشدید این بحران‌ها شده است.

بدون شک اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی رویکردی اساسی برای مقابله با بحران‌های ارزی در ایران می‌باشد. اجرای این سیاست‌ها باعث تقویت تولید و در نتیجه مقاوم‌سازی اقتصاد کشور می‌شود. برای سیاست‌گذاری مقابله با بحران‌های ارزی براساس رهیافت‌های اقتصاد مقاومتی، طراحی دقیق مکانیسم‌های تخصیص ارز به نیازهای اساسی و سرمایه‌گذاری در کوتاه‌مدت ضروری است. این امر مستلزم آن است که در کوتاه‌مدت و شرایط گذار، دولت با اجرای سیاست تثبیت اقتصادی راساً به تخصیص منابع ارزی اقدام و بر فرآیند تخصیص بهینه آن نظارت کند. مدیریت جریان نقدینگی در میان‌مدت و ایجاد زمینه شکل‌گیری بازار منسجم و کارای ارزی در بلندمدت مکمل سیاست‌های کوتاه‌مدت است.

منابع

- ابراهیم اسماعیل، ایمان، محسوم فرج، ماردین، طه بلال، احمد، ۲۰۱۹، «دراسة بعض العوامل الاقتصادية و السياسية على سعر الصرف الدينار العراقي خلال الفترة (۲۰۰۱-۲۰۰۴)»، *المجلة العلمية لجامعة جيهان السليمانية*، المجلد ۳، العدد ۱، ص ۱۱۲-۱۲۶.
- اداره بررسی‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸، *گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۶۸*، تهران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- اداره بررسی‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۷، *گزارش اقتصادی و ترازنامه سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۷۶*، تهران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- بنی طباطبائی، سیدمهدی و همکاران، ۱۳۹۷، *تحلیلی بر وضعیت بازار ارز، بررسی اقدامات دولت و ارائه پیشنهادهای تکمیلی*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری: KHAMENEI.IR
- پزنتی، پائولو، تایل، سدریک، ۱۳۸۰، *اقتصاد بحران‌های پولی*، ترجمه مهدی تقوی، پژوهشنامه اقتصادی، ش ۳، ص ۱۶۳-۱۷۸.
- خسروی ویشکایی، میثم، ۱۴۰۰، *درآمدی بر راهبرد ارزی کشور: پیامدهای تثبیت نرخ ارز اسمی*، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- درازن، آلن، ۱۳۹۰، *اقتصاد سیاسی اقتصاد کلان*، ترجمه جعفر خیرخواهان، تهران، مؤسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- سلطانی‌نژاد، حامد و همکاران، ۱۳۹۴، *پوشش نوسانات نرخ ارز: بازار قراردادهای آتی*، تهران، مهر نوروز.
- شاکری، عباس، ۱۳۹۱، *نظام ارزی موجود و اقتصاد کلان*، تهران، اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی تهران.
- صمصامی، حسین، ۱۳۹۸، *جعبه سیاه تضعیف ریال: نقد ساختاری و نهادی، و تبیین مولفه‌های مبنایی نرخ برابری ارزها در ایران*، تهران، خیرگزاری تسنیم.

<https://www.amar.org.ir>

<https://www.theglobaleconomy.com>

<https://www.cbi.ir>

<https://www.irica.ir>

Allen, F.; Gale, D., 1997, "Financial markets, intermediaries and intertemporal smoothing", *Journal of Political Economy*, Vol. 105, N. 3, P. 523- 546;

Briguglio, L, 2003, *The Vulnerability Index and Small Island Developing States: A Review of Conceptual and Methodological Issues*, AIMS Regional Preparatory Meeting on the BPOA.

C, E, Metz, 2003, *Information Dissemination in Currency Crises*, Springer-Verlage Berlin Heidelberg.

Eichengreen, Barry et al., 1994, *Speculative attacks on pegged exchange rates: an empirical exploration with special reference to the European monetary system*, National bureau of Economic Research, Cambridge.

Feridun, Mete, 2008, "Currency Crises in Emerging Markets: The Case of Post-liberalization Turkey", *The Developing Economies*, XLVI-4, p. 386-427.

Guillaumont, P, 2010, "Assessing the Economy Vulnerability of Small Island Developing States and the Least Developed Countries", *The Journal of Development Studies*, Vol. 46, N. 5, P. 828-854;

Hodrick, Robert J; Prescott, Edward C, 1997, "Postwar U.S. Business Cycles: An Empirical Investigation", *Journal of Money, Credit and Banking*, Vol. 29, N. 1, P. 1-16;

Krugman, Paul R, 2000, *Currency Crises*, University of Chicago Press;

Martin – Breen, P., et al., 2011, *Rresilience: A Literature Review*, Rockefeller Foundation, <http://www.rockefellerfoundation.org/news/publications/resilience-literature-review>.

Reuven Glick, Michael Hutchison, 2011, *Currency Crises*, Federal Reserve Bank of Sanfrancisco Working Paper Series.

Yilmazkuday, Hakan, 2008, *Twin Crises in Turkey: A Comparison of Currency Crisis Models*, Vanderbilt University, Nashville.